

## ایراد نمودن به وجود موافقت‌نامه داوری در دادگاه

حسن محسنی\*

حسن کیا\*\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین آثار توافق برای داوری، تلاش برای سلب صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعوی معین یا دعوی قابل تعیین است. بنابراین اگر با وجود شرط یا موافقت‌نامه مستقل داوری، یکی از طرفین به دادگاه مراجعه و طرح دعوا نماید، طرف مقابل می‌تواند با طرح ایراد به وجود شرط داوری و صلاحیت داور، موجب شود تا دادگاه رسیدگی را کنار بگذارد. در دادرسی‌های مدنی، تشریفات و اصول خاصی حاکم است و از آن جمله این است که دادگاه ابتدا صلاحیت خود را احراز و سپس در صورت طرح ایرادات از سوی خوانده به آن‌ها رسیدگی می‌کند و اگر ایرادات مورد پذیرش قرار نگیرد وارد بررسی خواسته و ماهیت دعوا می‌شود. در این مرحله دادگاه باید ذی‌حقی یا عدم ذی‌حقی خواهان را با توجه به ادله طرفین، بررسی و اقدام به صدور حکم نماید. در واقع تقدم امور شکلی و از جمله ایرادات، از اصول پذیرفته‌شده در دادرسی‌های مدنی است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ایراد وجود شرط داوری یا استناد سرخود دادگاه به آن پس از گام نهادن به قلمروی ماهیت، شدنی نیست یا نباید باشد و صدور قرارها پس از ورود به ماهیت درست نیست. بنابراین رأی صادره از دادگاه تجدیدنظر استان تهران، که بر همین بنیاد صادر شده، رأیی توجیه‌پذیر و درست است.

**واژگان کلیدی:** موافقت‌نامه داوری، صلاحیت دادگاه، ایرادات آیین دادرسی،

دفاع ماهوی.

---

hmohseny@ut.ac.ir

\*دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\*دانشجوی دکتر حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

hassan.kia.law@gmail.com

**مقدمه**

اثر اساسی موافقتنامه یا شرط داوری، خارج نمودن دادگاه‌ها از رسیدگی به دعوای حال یا آینده طرفین داوری است. این امر در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ و نیز بند ۲ ماده ۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶ آمده است. اما ممکن است با وجود شرط داوری، هر یک از طرفین داوری، بدون توجه به شرط موجود، عمداً یا اشتباهاً، به دادگاه‌های دولتی مراجعه و دادخواهی کنند. چنین اقدامی در درجهٔ نخست حاکی از انکار یا ادعای بی‌اعتباری شرط داوری می‌باشد. در این فرض دو حالت متصور است: نخست آن که خوانده با استناد به موافقتنامه یا شرط داوری، به صلاحیت دادگاه ایراد کند. در این حالت اگر ایراد، قبل از ورود به ماهیت دعوا مطرح شده باشد که عموماً ناظر به جلسهٔ نخست رسیدگی است و دادگاه موافقتنامه را رؤیت و تأیید کند، پرونده را از دستور رسیدگی کنار می‌نهد که در کشور ما این کار با صدور قرار موسوم به قرار عدم استماع رسیدگی انجام می‌شود و در حقوق فرانسه میان دو حالت تشکیل شده بودن مرجع داوری و نشده بودن آن، آن‌چنان که خواهیم دید تفکیک قائل می‌شوند و این افزون بر مسئلهٔ ورود نمودن یا ننمودن به ماهیت است. دومین حالت این است که خوانده به صلاحیت دادگاه ایرادی وارد نکند که در این مورد نیز اختلاف در نظرها، آن‌چنان که خواهیم دید هست؛ که آیا دادگاه می‌تواند علی‌الرأس به صدور قرار عدم استماع دعوا اقدام کند یا این که می‌تواند یا باید که سکوت و عدم ایراد خوانده را حمل بر پذیرش عدول از شرط داوری بداند؟ که نخست از سوی خواهان با مراجعه به دادگاه برای عدول از آن، با طرح دعوا در دادگستری، اقدام شده است.

پرسش اصلی ما در این مقاله این است که اگر خوانده به شرط داوری پس از طرح دعوا و پس از دفاع ماهوی در مقابل دعوای خواهان و با ورود دادگاه به ماهیت دعوا، ایراد نماید آیا دادگاه می‌تواند به این ایراد رأساً وارد شود و رسیدگی به دعوا را کنار بکشد؟ آیا از منظر آیین دادرسی مدنی این کار درست است و نیز آیا از نگاه بنیان قراردادی بودن داوری، این مداخله دادرس توجیهی دارد؟ در این نوشته، دو دادگاه فرودست و عالی (شعبه ۲۱۲ دادگاه عمومی حقوقی

تهران و ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده‌اند که شرح و بررسی و نقد آن‌ها از دیدگان شما می‌گذرد. فایده این مطالعه، افزون بر نقد و بررسی و ماهیت‌شناسی ایراد شرط داوری، نظم بخشیدن به کار دادگستری و جلوگیری از نقض نادرست آرا و صدور آراء درست با توجه به هدف داوری و نگاه درست آیین، آیین دادرسی خواهد بود.

## ۱. گزارش رأی!

شعبه ۲۱۲ دادگاه نخستین حقوقی تهران در خصوص دادخواست مطالبه وجه خواهان با استناد به وجود شرط داوری در قرارداد موضوع دعوا و مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کند. از این رأی تجدیدنظرخواهی می‌شود و پرونده به شعبه ۱۷ دادگاه پژوهشی استان تهران ارجاع می‌گردد.

این دادگاه در راستای گسیختن رأی نخستین، برابر دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۷۰۰۸۴۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۶ چنین رأی می‌دهد:

«..... زیرا در درجه اول اگرچه شرط داوری در بند ۷ قرارداد گنجانده شده، مع‌الوصف شرط مذکور مربوط به زمان قرارداد بوده این در حالی است که دعوی مربوطه مربوط به بعد از اتمام کار و پس از انقضاء زمان قرارداد طرح گردیده در درجه دوم با طرح دعوی مذکور خواننده تعرضی به شرط مذکور ننموده و با ورود در ماهیت امر مبادرت به دفاع نموده است. با ورود به ماهیت دعوی و جلب نظر کارشناسی و عدم تعرض خواننده پرونده به شرط داوری، اقتضاء ادامه دادرسی و صدور حکم ماهوی وجود داشته که مورد توجه قرار نگرفته. دادگاه با انطباق تجدیدنظرخواهی با بند «ه» ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته به استناد ماده ۳۵۳ قانون مذکور پرونده را جهت رسیدگی ماهوی و ادامه دادرسی و صدور حکم شایسته به دادگاه صادرکننده قرار منقوص اعاده می‌نماید. رأی صادره حضوری و قطعی است.»

به موضوع این رأی از دو نگاه می‌شود پرداخت؛ یکی نگاه قراردادی و دیگری نگاه آیین دادرسی. مبنای این دو نگاه، ماهیت دو رویکرد قراردادی به شرط داوری و حقوق آیین دادرسی به موافقت‌نامه‌های ناظر به صلاحیت و شایستگی دادگاه‌ها است. رویکرد نخست که مبنای بخش نخست این نوشته است، به این فایده توجه

دارد که قرارداد درست مبنای داوری، نسبت به طرفین و دادگاه اثر دارد. همچنین پایه نگاه دوم توجه به فرایند و آیین دادرسی و الزامات ناشی از طبیعت این دسته قوانین است.

## ۲. نگاه قراردادی به موافقت‌نامه داوری

از نگاه قراردادی و مسئله شیوه عدول عملی از موافقت‌نامه داوری که پرسش این نوشته است، در قانون آیین دادرسی مدنی ما ماده‌ای که بدان پاسخ آشکار بدهد، به چشم نمی‌خورد؛ به بیان دیگر، برابر مقررات باب داوری این قانون، جز تراضی کتبی طرفین که در بند ماده ۴۸۱ به‌عنوان یکی از راه‌های از بین‌رفتن شرط داوری آمده است، راهکار دیگری برای کنار گذاشتن ارادی این شرط دیده نمی‌شود. از این سخن می‌شود چنین برداشت نمود که چون چنین است، دادگاه و طرفین ملزم و ملتزم به خواست طرفین موافقت‌نامه داوری هستند و نتیجتاً، اگر با چنین شرطی رو به رو شوند بدان پایبند هستند و پایبندی در این‌جا معنایی ندارد جز احترام طرفین به شرط و قرارداد داوری و التزام دادگاه به خواست طرفین برای داوری. بر این بنیاد، برخی نویسندگان نوشته‌اند که از مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون پیش‌گفته به‌طور ضمنی این معنی استنباط می‌گردد که باوجود قرارداد داوری معتبر دادگاه نباید مستقیماً وارد رسیدگی به دعوا شود (یوسف‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۷). اما آیا این سخن بدین معناست که بی‌توجهی یک طرف به شرط داوری و قبول صریح یا ضمنی طرف دیگر نیز نمی‌تواند موجب کنار گذاشتن شرط داوری شود؟ برای نمونه، اگر یک طرف باوجود شرط عمده‌ای از روی اشتباه دعوای خود را در دادگستری طرح کند، دادگاه باید مانع این کار شود یا این که بایسته است تا بررسی واکنش طرف مقابل درنگ کند؟

برخی حقوقدانان نوشته‌اند که دادگاه نمی‌تواند بدون ایراد طرف دعوا، قرار عدم استماع دعوا یا عدم صلاحیت یا امتناع از رسیدگی صادر نماید (یوسف‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۹). استادی دیگر با این استدلال که رسیدگی دادگاه به اختلاف موضوع موافقت‌نامه داوری خلاف قواعد آمره نمی‌باشد و طرفین می‌توانند خلاف آن تراضی کنند، عدم اعتراض و ایراد خواننده را تا پایان اولین جلسه دادرسی موجب بلامانع بودن رسیدگی دادگاه می‌دانند (شمس، ۱۳۸۶: ۵۴۱) (خدابخشی، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

نگارندگان در این نوشتار سر آن ندارند که به اصولی عام همچون صلاحیت دادگستری برای پاسخ استناد کنند؛ اصولی که در هر جا که نسبت به صلاحیت دادگاه عمومی تردید باشد، بر بنیاد قواعد عام، از صلاحیت این دادگاه سخن می‌گویند (ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی در اجرای اصل ۳۴ قانون اساسی و اصل ۱۵۹ آن). افزون بر این، بند ۱ ماده ۴۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی را نباید مانع این سخن دانست. اگر گفته شود که این ماده دست کم، ناظر به فرضی است که داوری آغاز شده است، گرچه این سخن دقیقی نیست و فروکاستن از محدوده حکم مقنن است و مصداق آن است، اما، می‌شود ادعا کرد که کتبی بودن توافق، در فرضی که یک طرف دعوایی طرح می‌کند و دیگری بدون آن که به وجود قرارداد داوری ایراد کند، پاسخ دعوا را می‌دهد، این تبادل ادعا و دفاع، چه کتبی و چه شفاهی، صراحت در عدول خواهد داشت؛ وانگهی، قید کتبی بودن از نگاه نگارندگان برای تعیین مصداق صراحت در توافق است که بی‌گمان تنها نمونه صراحت نیست و طرفین می‌توانند شفاهاً چنین عدول از قراردادی را در دادگاه بیان کنند و دادگاه آن را در صورت مجلس بیاورد.

به خلاف قانون آیین دادرسی مدنی که دریافتن این حکم از آن نیازمند بررسی و استمداد از دکتین حقوقی است، قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب سال ۱۳۷۶ در ماده ۸ خود چنین آورده است:

«دادگاهی که دعوای موضوع موافقت‌نامه داورى نزد آن اقامه شده است، باید در صورت درخواست یکی از طرفین، تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید مگر این که احراز کند که موافقت‌نامه داورى باطل و ملغی‌الاثرب یا غیرقابل اجرا می‌باشد. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.»

حکم این ماده که مقرر می‌دارد: «باید در صورت درخواست یکی از طرفین، تا پایان اولین جلسه دادگاه اقدام کند و این اقدام ناظر به فرضی است که همان دعوا و طرفین که در حقیقت مشمول شرط داوری است در دادگاه مطرح شده و از این رو، دادگاه طرفین را به داوری احاله می‌دهد و در هر حال، طرح دعوا در دادگاه نسبت به شروع، ادامه جریان و صدور رأی بی اثر است. پس چه داوری آغاز شده و

چه نشده باشد و یک طرف اقدام به طرح دعوا در دادگستری نماید و طرف دیگر بدان ایرادی نکند یا به زبان ماده ۸ درخواستی ننماید، موضوع مشمول ماده ۵ این قانون است که درباره انصراف از حق ایراد مقرر داشته است: «در صورتی که هریک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیرآمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است»<sup>۱</sup>.

در حقوق فرانسه نیز برابر ماده ۸۱ کد آیین دادرسی مدنی، «هنگامی که قاضی بر این باور است که پرونده در صلاحیت یک مرجع جنایی، اداری، داوری یا خارجی است، صرفاً طرفین را به این مراجع دلالت می‌کند» و مشخصاً در باره داوری، آن چنان که نوشته‌اند: «ماده ۱۴۴۸ همین کد ... باتوجه به این دو ماده در حقوق این کشور نیز در مواردی که هنوز مرجع داوری تشکیل نشده و دادگاه مورد را مشمول شرط داوری بداند، قرار عدم صلاحیت صادر نمی‌کند بلکه طرفین را به داور و دادخواهی نزد او ارجاع می‌نماید که مشابه قرار عدم استماع رایج در رویه قضایی کشور ما است. اما، در حقوق فرانسه به‌موجب ماده ۱۴۴۸ کد اگر مرجع داوری تشکیل شده باشد، دادگاه برای جلوگیری از آثار صلاحیت موازی و صدور آراء متعارض، عدم صلاحیت خود را اعلام می‌کند» (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

پس، موافقتنامه داوری معتبر است هم از نگاه طرفین و هم از نگاه دادگاه و مبنای این اعتبار همان مبنای قراردادی بودن داوری است. از سوی دیگر باید میان بی‌توجهی به موافقتنامه داوری و بی‌توجهی به فرایند آغازشده داوری تفکیک قائل شد و اولی را بستری دانست برای چالش عدول ضمنی از شرط و دومی را وضعیتی دانست برای حفظ استقلال داوری و نهاد جایگزین حل و فصل دولتی اختلافات. از این نگاه رأی موضوع این پرونده، رأیی درست است.

این سخن را باید با بررسی نگاه آیین دادرسی به شرط تکمیل نمود که در بند دیگر خواهد آمد.

۱. در این باره رک: امیری معزی، دکتر احمد، داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی، تهران، دادگستر،

### ۳. نگاه آیین دادرسی به موافقت‌نامه داوری

گرچه مقنن در قانون آیین دادرسی مدنی دست به نگارش و تدوین مقاطع درون هر مرحله از مراحل دادرسی نزده و شاید نیازی نیز بدان نبوده باشد، اما از نظر آیین دادرسی مدنی و نیز چنینش مواد این قانون در می‌یابیم که رسیدگی به دعوای مدنی دارای گام‌هایی است و بر هر گام آثار و احکامی بار می‌شود.

پس از آن که خواهان بر اساس ماده ۴۸ قانون پیش‌گفته دادخواست خود را تقدیم دادگاه می‌کند، اشتغال دادگاه آغاز می‌شود. پس از ارجاع پرونده به یکی از شعب، دفتر آن شعبه آن را از جهت درستی و رعایت شرایط دادخواست بررسی می‌کند.<sup>۱</sup> در صورت نقص دادخواست مندرج در ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر نقص موجب رد فوری دادخواست نشود، مدیر ضمن برشمردن مورد یا موارد نقص ظرف دو روز، آن را به خواهان ابلاغ می‌کند و نام‌برده حداکثر ده روز فرصت دارد تا نقایص برشمرده شده را رفع و برطرف نماید. اگر مدیر دفتر نقایص را رفع‌شده ببیند آن را جهت بررسی و تأیید عدم وجود نقص و همچنین دستور تعیین وقت به قاضی دادگاه تقدیم می‌کند.<sup>۲</sup> اینجاست که دادخواست از گام نخست گذر کرده و وارد گام بعدی می‌شود. پس از تعیین وقت و ابلاغ به طرفین جهت حضور، جلسه دادگاه تشکیل می‌شود. جلسه نخست دادرسی دارای اهمیت بسیاری است و تقریباً تمام حقوق و امتیازات طرفین باید در این جلسه طرح گردند و از آن جمله طرح ایرادات شکلی است که خوانده می‌تواند بر اساس ماده ۸۴ طرح نموده و مانع موقتی یا دائم در برابر دعوای خواهان قرار دهد. البته خواهان نیز می‌تواند وفق ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به سمت خوانده ایراد کند. به صراحت ماده ۸۸ قانون پیش‌گفته دادگاه پیش از ورود به ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات احتمالی وارده اتخاذ تصمیم می‌نماید و در صورتی وارد مرحله پسین یعنی ماهیت می‌شود که ایرادهای وارده را مردود شمارد.

در نگاه نخست شاید دشواری ویژه‌ای وجود نداشته باشد ولی گاه مرز بین شکل و ماهیت باریک یا گم می‌شود و کاستی‌های قانون نیز به این ابهامات

۱. ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی.

۲. ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

می‌افزاید. پس بایسته است بدانیم مرز بین ایراد شکلی و رسیدگی ماهوی کجاست. استاد متین دفتری در این باره نوشته است: «ایراد این است که خواننده ادعای خواهان را ماهیتاً نفی نمی‌کند، بلکه اظهار می‌دارد دعوا به نحوی که اقامه شده در خور پاسخ دادن نیست یعنی در این حال الزامی به پاسخ ندارد و آن را موکول به بعد می‌نماید.» (متین دفتری، ۱۳۸۷: ۲۴۹). استاد دیگری، ایراد را هر وسیله‌ای می‌داند که موجب شود دادرسی، غیرقانونی یا زوال یافته اعلام شود یا جریان دادرسی معلق گردد. ایشان در ادامه می‌گویند: «در ایراد همان گونه که خود واژه مشخص می‌نماید اصل و ماهیت حق مطالبه شده مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. بلکه ایراد تنها نسبت به دادرسی مورد عمل است.» (شمس، ۱۳۸۷: ۴۲۱) البته برخی نویسندگان در یافته منتشر شده از یک رساله دکتری، به درستی دو گانه آیینیک دفاع شکلی و دفاع ماهوی سنتی و مألوف در حقوق ما را با اضافه کردن مواردی که موجب عدم پذیرش دعوا است و در حقوق فرانسه مسبوق می‌باشد، به سه گانه آیینیک، ایرادات، دفاع ماهوی و عدم پذیرش تقسیم نموده‌اند (محسنی و غمامی، ۱۳۹۹: ۷۶۵). بر این بنیاد، از آن جا که در ایراد، خرده به درستی طرح دعوا و آیین آن گرفته می‌شود که حق خرده گیرنده است و در دفاع ماهوی اصل حق مدعی انکار و بی‌اساس می‌شود و در عدم پذیرش حق دادخواهی با استناد به مفاهیم نفع و اعتبار امر قضاوت شده، به چالش کشیده می‌شود که میان ذی نفع و قاضی در جریان است، دست کم درباره ایراد آیین دادرسی و دفاع ماهوی، باید پذیرفت که اولی منطقاً مقدم بر دفاع ماهوی است و اگر بنا باشد مقاطع و گام‌هایی برای دادرسی نوشته شود، باید نخستین گام ورود به ایراد باشد و سپس دفاع ماهوی یا حتی عدم پذیرش. پس اگر کسی با علم به این که چنین حق ایرادی دارد سکوت نمود و به دفاع ماهیتی وارد شد، چرا دادگاه باید خود را جلو بیاندازد و مانع شود و رأساً ایراد را از جایی بشنود و بدان ترتیب اثر بدهد؛ به ویژه این که ماهیت دادرسی مدنی و موضوعات مشمول داوری، خصوصی هستند.

بر این بنیاد است که ماده ۷۳ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه آورده است: «ایراد آیین دادرسی به هر جهتی گفته می‌شود که به منظور اعلام غیرقانونی بودن یا زوال آیین دادرسی یا تعلیق جریان آن مطرح می‌شود» و در ماده ۷۴، مقنن



فرانسوی مقرر کرده است که «ایرادات، حتی اگر مربوط به نظم عمومی باشند، باید همزمان و قبل از دفاع ماهوی یا عدم پذیرش مطرح شوند وگرنه قابل قبول نیستند» (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

در موضوع رأی مورد مطالعه در این نوشته نیز، آنگاه که دادگاه حکم نموده: «در درجه دوم با طرح دعوی مذکور خوانده تعرضی به شرط مذکور ننموده و با ورود در ماهیت امر مبادرت به دفاع نموده است؛ با ورود به ماهیت دعوی و جلب نظر کارشناسی و عدم تعرض خوانده پرونده به شرط داوری، اقتضاء ادامه دادرسی و صدور حکم ماهوی وجود داشته که مورد توجه قرار نگرفته» درست به معنای همین تقدم ایراد بر دیگر طرق دفاعی است و به درستی نشان می‌دهد که ورود به ماهیت مانع پرداختن دادگاه به صورت علی‌الرأس به شرط داوری بوده است؛ چه این‌که دادرسی نمی‌تواند جز مواردی قانونی ۱، پس از ورود به ماهیت، رأیی صادر کند که قرار است.

### نتیجه

با نگرش توجه به قراردادی بودن داوری و با نگرش آیین دادرسی و شرط داوری، چنین نتیجه‌هایی از مطالعه رأی این نوشته به دست می‌آید که:

۱- در صورت طرح دعوا توسط خواهان در دادگاه باوجود موافقتنامه داوری (شرط یا قرارداد)، دادگاه نمی‌تواند سرخود نسبت به صدور قرار عدم استماع دعوا اقدام نماید و این امر منوط به ایراد خوانده در نخستین جلسه دادرسی است.

۲- پس از عبور از مرحله ایرادات و ورود دادگاه به ماهیت، دادگاه باید درباره ذی‌حقی یا بی‌حقی خواهان را اعلام و اقدام به صدور حکم نماید و صدور قرار پس از ورود به ماهیت مبنایی ندارد.

۳- خوانده با سکوت خود در برابر طرح دعوای خواهان در دادگاه، باوجود موافقت نامه داوری، به طور ضمنی از داوری عدول کرده و پس از دفاع ماهوی و پس از ورود به ماهیت حق استناد به شرط داوری در چنین دعوایی را ندارد.

## منابع

- امیری معزی، احمد (۱۳۹۰). داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ سوم، دادگستر: تهران.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۵). حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، شرکت سهامی انتشار: تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، انتشارات دراک: تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک: تهران.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد ۱، انتشارات مجد: تهران.
- محسنی، حسن (۱۳۹۵). آیین دادرسی فرانسه، شرکت سهامی انتشار: تهران.
- محسنی، حسن و مجید غمامی و هادی ملک تبار فیروزجایی (۱۳۹۹). «شناخت سه‌گانه آیینیک»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۴.
- محسنی، حسن (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد ۱، چاپ ۴، شرکت سهامی انتشار: تهران.
- یوسف زاده، مرتضی (۱۳۹۳). آیین داوری، شرکت سهامی انتشار: تهران.